

آموزش گسترده، ضرورت اجتناب ناپذیر

زمینه‌های بارور ساختن نیروی فکری مردم را فراهم سازید.
هیچ گام سودمندی از جانب دست اندر کاران برداشته نشده است.

در صفحه سوم

بیماری‌های نظام حکومتی ایران

نیروهای سازنده کشور در
برخوردهای بی‌حاصل هدر
می‌رود.

ایران انباشته از خطرهای فراوانی می‌باشد که از هر سو در کمین نشسته است، خطر نفوذ اقتصادی، خطر نفوذ سیاسی، خطر نفوذ فرهنگی، خطر القاء اندیشه‌های ناروا، خطر در هم شکستن الگوهای اخلاق ملی، خطر ارائه جلوه‌های ناروای زندگی، خطر بقای ناسامانیهای کشاورزی، خطر ادامه وابستگی صنعتی، خطر نرسیدن ماده‌های اولیه، خطر از دست دادن بقیه در صفحه ششم

مرگ شاه
خلع شده

در صفحه هفتم

زادروز امام حسن مجتبی (ع) فرخنده باد

پس از شهادت علی بن ابیطالب (ع) و ادعای خلافت از سوی معاویه بن ابوسفیان با در نظر گرفتن حفظ وحدت مسلمین، تاریخ نقش خطیری را برعهده دومین امام شیعیان قرارداد. صلح دوران دیشانه حسن بن علی (ع) زمینه‌ساز انقلاب خونین برادر بزرگوارش حسین علیه‌السلام در کربلا گردید و این روند قرآنی بی‌شک در گرو همکاریهای حکیمانه این دو برادر، این دو امام و این دو پرورش یافته مکتب رسول اکرم می‌باشد. پانزدهم رمضان زادروز بابرکت امام بزرگوار خود را به تمام مسلمانان جهان بویژه ایرانیان علاقمند به نهضت‌های درخشان علوی شادباش می‌گوئیم.

دولت تازه

دیگر هیچ فرصتی برای اشتباه
کردن نمانده است

سرانجام نخست‌وزیر به مجلس معرفی شد، ولی معرفی به گونه‌ای صورت گرفته که نگرانی‌ها برمی‌انگیزد. رئیس جمهور کشور که می‌باید نخستین تأیید کننده نخست‌وزیر باشد در نامه معرفی ایشان به مجلس شورا از «مقتضای جوموجود» یاد میکند و مجموع عبارتهای نامه چنان تنظیم شده است که جای پرسش‌های بسیار باقی می‌گذارد. نامه نخستین رئیس جمهور کشور به نخستین مجلس برای معرفی و تعیین نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران بطور طبیعی می‌باید از بیانی بی‌خدشه و تصمیم قاطع و امید به آینده سرشار و لبریز باشد.

نامه رئیس جمهور به مجلس در تعیین نخست‌وزیر باید چنان آکنده از امیدواری باشد که در همه قلبها شوق و هیجان بیافریند ولی لحن و عبارتهایی که در نامه رئیس جمهور به کار گرفته شده نه همان که نشانی از امید و استواری ندارد و نه که هیچ شوق و هیجانی نمی‌آفریند، بلکه نگرانی و افسردگی می‌پراکند.

مصاحبه رادیو تلویزیونی رئیس جمهور که در پی نوشتن معرفی نامه صورت گرفته است، پرسش‌های بیشتر و زیادتری برمی‌انگیزد.

در مصاحبه رادیو تلویزیونی، رئیس جمهور عبارتهای بسیار نگرانی آوری به کار می‌گیرد و با اشاره‌های کم و بیش آشکار و نهان اعلام می‌دارد که «کشور در یک وضعیتی نیست که چنین دولتی بتواند آن را اداره کند» هر چند بیان رئیس جمهور ابهام دارد و به درستی روشن نمی‌باشد که منظور ایشان از عبارت «چنین دولتی» کدام دولت است ولی بیان چنین عبارتی به هنگام معرفی نخست‌وزیر تازه به گونه‌ای طبیعی در همه ذهن‌ها، بازتاب مسعینی دارد و همه کسانی که این عبارت را از زبان رئیس جمهور بدین هنگام می‌شنوند و آن را با مجموع گفتار و نوشتار ایشان در باره معرفی نخست‌وزیر ترکیب می‌کنند به این نظر باور می‌آورند که رئیس جمهور از انتخاب نخست‌وزیر رضایت کامل ندارد.

رئیس جمهور به هنگام معرفی نخست‌وزیر می‌باید با گرمی و با غرور از انتخاب خود نام ببرد و می‌باید در ستایش وی عبارتهایی به زبان آورد و همگان را به همکاری او فرا خواند و دلایل انتخاب خود را با خرسندی و سربلندی برشمارد ولی چنین نشده است. نامه رئیس جمهور به مجلس در معرفی نخست‌وزیر، سندی تاریخی است که کوچکترین نشانی از ابهام و تردید در آن اعتبار بسیاری از ساخته‌های سیاسی کشور را خدشه‌دار می‌سازد.

نخست‌وزیر، برجسته‌ترین مقام اداری و اجرایی کشور است و می‌باید آگاه‌ترین و توانا‌ترین شخصیت، بدین کار برگزیده شود تا بتواند همه نیروهای وفادار به انقلاب و همه استعدادها را

بقیه در صفحه دوم

ضرورت تاریخی دادرسی جاسوسان

گذشت در برابر
بزهکاران بیگانه،
بدترین شکل
کاپیتولاسیون
است.

رورنامه کیهان در تاریخ پنجشنبه دوم مرداد ماه ۱۳۵۹ به شماره ۱۱۰۵۳ صفحه چهارم ستون اول و دوم، خبری زیر عنوان «خانواده گروگانها احساس رضایت میکنند» از صدای آمریکا نقل کرده که متن آن چنین است.
بقیه در صفحه دوم

سالروز شهیدان قیام ملی سی ام تیر زنگار نفاق بر گرامی‌ترین خاطره‌ها



دبیر و کاربدستان حزب ملت ایران به هنگام رفتن بر مزار شهیدان

فرصت نداده است که به انتقاد و اصلاح خویش بپردازد و بدیگر سخن تجربه‌ی مردم سالاری و بی‌بهره بودن از زندگی در جو آزاد و بدون از تحمیل حتی بسیاری از داعیه‌داران بقیه در صفحه هفتم

می‌پذیرند و رندانی حصارهای بلند خودبیبی می‌گردند. شاید اگر به بررسی پیرامون چرایی حضور روحیه‌ی انحصارگری در ایران بشییم به این نتیجه برسیم که سالیان دراز حاکمیت دیکتاتوری، ملت ما را

در فضائی که دیگر بوی خوش همبستگی از آن گریخته است، گرامینترین خاطره‌ها زنگار نفاق

ضرورت برقراری ایمنی در فضای سیاسی کشور

اعلام داشت «آرادی اندیشه، آرادی گفتار، آرادی نوشتار، آرادی تشکیل اجتماع‌های فرهنگی و سیاسی از جمله آرادیهای اساسی نه شمار می‌آید که برای حفظ حیثیت ذاتی بشر ضرورت انکار ناپذیر دارند و هیچکس تحت هیچ عنوان نباید به خود حق پایمال کردن آنها را بدهد».

با اینکه فصل سوم قانون اساسی به «حقوق ملت» اختصاص یافته و در بیست و چهار اصل آن آزادیهای فردی و اجتماعی مردم، تضمین شده است، گوئی کوشش دامنه‌داری برای جلوگیری از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران بعمل می‌آید.

حزب ملت ایران اعتقاد دارد که هرگونه حصر قانونی و عملی برای دارندگان اندیشه‌ها و سازمانهای سیاسی گوناگون با جدول ارزشهای انقلاب اسلامی بقیه در صفحه هفتم

از تجاوز به حقوق اساسی مردم جلوگیری کنید.

رویدادهای ناستوده دوهفته گذشته و حمله‌های پی‌درپی گروهی خود سر به مرکز حربها و سازمانهای سیاسی و دفتر روزنامه‌های گوناگون صر به‌های سهمگینی است که بر نظام جمهوری اسلامی ایران وارد می‌آید.

بی‌شک گذشته از استقلال ملی، گرانقدرترین دست آوردهای انقلاب ایران، آزادیهای فردی و اجتماعی مردم است. حرب ملت ایران، درست سیرده ماه پیش که تاره مر کزهای قدرت خود کامه شکل می‌گرفتند و انحصار طلبی و احلالگری همچون آفت‌های زندگی ملی شروع به خود نمائی کرده بود،

انقلاب رادار گرداب لفظ پر داز یها، غرق نکنید

قانع باشد. در زمینه‌های فکری ویران دقت و تامل بیشتری میبایست صورت میگرفت تا اطمینان حاصل شود که هر یک از آنها دریافته است، در این کشور انقلاب صورت گرفته است و قادر به اعمال قدرت مدیریت با قاطعیت انقلابی است.

دولت پس از انقلاب میبایست دروازه‌ها را بی‌فاصله میبست و جلوی رفت و آمدهای به خارج را میگرفت و همچون هر دولت انقلابی دیگری از نقل و انتقالاتی که ممکن است بعدها برای انقلاب ایجاد خطر کند جلوگیری بعمل می‌آورد.

دولت بطور جمعی و ویران بطور انفرادی باید در کلیه کارها با قاطعیت عمل میکردند و تفاوت بین یک دولت اصلاح طلب و یک دولت انقلابی را درک میکردند.

بقیه در صفحه سوم

شاخص‌های عاریت گرفته شده از غرب را بدور بریزید

انقلاب اسلامی ملت ایران به گواهی و پذیرش همگان بسیار زود به پیروزی رسید و ناگهان آنها را که فردای روز بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ اداره کارها را بدست گرفتند در برابر گوهی از دشواریها قرار داد. آنها که زمام کشور را و اداره کارها را در آن روزها بدست گرفتند بظاهر تجربه بیشتری از دیگران داشتند و بنابراین میبایست ترکیب دولت را به گونه‌ای برگزینند که انقلابی و

دولت

سازنده کشور را در پیرامون خود گرد آورد و سازمان بخشید دشواری‌هایی که کشور ما را در کام خود فرو گرفته، به راستی هول‌انگیز است و بر طرف کردن آنها نیازمند بسیج و تجهیز همه نیروهای وفادار به انقلاب و همه استعداد های سازنده کشور است.

اجرای این وظیفه مهم مسئولیت اصلی نخست‌وزیر است و اگر نتواند استعدادهای سازنده کشور و نیروهای وفادار به انقلاب را بسیج و تجهیز نماید بی‌گفتگو نخواهد توانست بر این همه دشواری غلبه کند و وظیفه تاریخی خود را انجام دهد.

برانگیختن و بکار گرفتن همه نیروها و استعداد های کشور، شرط اصلی پیروزی در دوران سازندگی انقلاب است و به هیچ طریق دیگری نمی‌توان دشواری‌های کنونی را از میان برداشت.

هر تصویری جز این بطور قطع و یقین اشتباه است و هیچ حزب یا سازمان سیاسی به تنهایی نمی‌تواند دردهای کشور را درمان بخشد.

اگر نیروهای انسانی آگاه و توانا و وفادار به انقلاب را پراکنده سازیم و از شرکت کوشا در بازسازی ایران برکنار داریم بی‌هیچ گفتگو بر دامنه دشواری‌ها افزوده خواهد شد.

در شماره ششم نامه آرمان ملت در زیر عنوان «تعهد سنگین در برابر ملت» چنین نوشتیم «اینک زمان سازندگی است و در حقیقت از زمان سازندگی مدتها سپری شده است و در کار ساختمان بنای نو دیر کرده‌ایم.

زمانهای بسیاری را در این راه از کف داده‌ایم و زمان و فرصتی اندک در پیش رو داریم». «باید کار سازندگی جامعه نو را با چالاک‌بی سابقه آغاز نماییم، هر لحظه‌ای که از این پس از کف بدهیم، ضربه‌ای بر خویشتن زداییم هیچ لحظه‌ای و هیچ روزی را نباید بی‌حاصل از دست رها کنیم».

«در بازسازی کشور دیر و درنگ شده است و هیچ درنگ دیگر روا نیست. بازسازی کشور را در پیچ و خم تلاشهای سیاسی گروههای طالب قدرت به خطر نیاندازید».

ولی با کمال تأسف این هشدار و رهنمایی به چیزی گرفته نشد و بازسازی کشور همچنان در پیچ و خم بر خوردهای سیاسی فراموش شد و باز ما در شماره هشتم نامه آرمان ملت زیر عنوان «دولت، هر چه زودتر باید تشکیل گردد». یادآور شدیم «حیاتی‌ترین ضرورت کشور که پدید آوردن یک دولت با اقتدار پر تحرک میباشد، ماهها است که در کورن رقابتی شخصی و فرقه‌ای فرو مانده».

«گروههای بزرگی از مردم که آمادگی و شوق بسیار برای شرکت در بازسازی انقلابی داشتند، اینک با تردید به آینده می‌نگرند، چنان که گوئی چشم براه رسیدن وصیتی نشسته‌اند». «حزب ملت ایران به ناگزیر هشدار می‌دهد و از گرداندگان کار می‌خواهد که به خود آیند».

در این برهه سر نوشت ساز به آینده ایران و یا دست کم به آینده خود بیندیشند و گرداری شایسته در پیش گیرند و از به کرسی قدرت رسانیدن بستگان و دست‌نشاندهای خویش در گذرند، که این قدرت در هر حال بر آنان پایدار نخواهد ماند، از فرقه‌گرایی دوری گزینند، که فرقه آنان در رهگذر رویدادهای فردا به آسیب‌های سخت دچار خواهد آمد. از پای‌بندی شدید به اندیشه‌ها و دریافتهای خود و خوار شمردن اندیشه و دریافت دیگر، باور آوردگان به انقلاب اسلامی ایران بپرهیزند، که همه برداشتهای واهی ایشان را تندبادهای زمان فرو خواهد پیچید».

«اینان باید به یکباره بپذیرند که سامان بخشیدن به دره‌پریختگی‌های کشور به گاردانی‌های خاص نیاز دارد».

«بر همه گاردستان کشور است که به دور از هر بهانه‌جویی، دولتی استوار و دارای برنامه برگزینند و کار سامان دادن دستگاه اجرایی کشور را بی‌هیچ انحصارگری به آن بسپارند».

ولی این یادآوری هم اثر نکرد و روند کارها بر همان شیوه انحصارگری برقرار ماند و بازسازی کشور همچنان در بوته اجمال ماند.

اینک یادآوری‌های گذشته را دوباره بازگو می‌کنیم و بر آنها پامی فشاریم و می‌افزاییم که به سامان رسانیدن دشواری‌های کشور منوط به تشکیل یک دولت با اقتدار است که نماینده وحدت ملی باشد.

در شماره دوازدهم نامه آرمان ملت به روشنی بیان شده است که «وحدت به معنای شناختن و پذیرفتن بنیادهای اندیشگی و هدفها و روشهای روشن بر اداره کارهای کشور است».

«وحدت به معنای تفاهم شخصی و روانشناختی نیست، وحدت عمل نیروهای سیاسی باسازش سیاستگران با یکدیگر تفاوت اساسی دارد».

ضرورت تاریخی جاسوسان

«دیروز تعدادی از بستگان گروگانهای آمریکایی با ریچارد کوئین گروگان دیگری که به علت بیماری آزاد شده است ملاقات و گفتگو کردند.

اعضای خانواده هفده نفر از دیپلماتهای آمریکایی که در ایران در گروگان بسر می‌برند

دیروز در محل وزارت امور خارجه آمریکا و در پشت درهای بسته با ریچارد کوئین گروگان دیگری که اخیراً آزاد شده دیدار و گفتگو کردند. یک سخنگوی

بستگان گروگانها بدنبال این دیدار اظهار داشت آنها از سوی کوئین با توجه به مدت نه ماه اسارت وی اطمینان مجددی

حاصل کردند ریچارد کوئین در چند ماه آخر اقامت خود در ایران در تنهایی بسر برده است.

خانم لوئیز کندی سخنگوی بستگان گروگانها گفت با توجه به تاکید کوئین که مورد آزار بدنی و یا بازجویی‌های خشونت‌آمیز قرار نگرفته است. بستگان

گروگانها احساس راحتی میکنند. خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت

امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

میشود». خانم کندی که همسرش یکی از اعضای اقتصادی سفارت امریکا است و هنوز در بین گروگانها می‌بایشد گزارش ریچارد کوئین را خوشبین کننده خواند و گفت «این نشان میدهد که از گروگانها خوب نگهداری

و آزادی و حاکمیت ملی خود را روا بشناسد، و یا دست کم گناه چندان بزرگی به حساب نیاورد.

بخش بزرگی از نیروی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی ما در راه نگاهداری ایران از گزند بیگانه صرف میشود، ارتشی که با تحمل هزینه‌های بسیار سنگین ساخته شده، تا دفاع ملی را

بمهده گیرد، و تخصص‌های فراوانی که در نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج کشور بکار گرفته شده و دهها مورد دیگر، از کوششهایی که برای استوار داشتن آزادی و استقلال

و حاکمیت ملی، بعمل می‌آید نشان دهنده ارج و اهمیتی است که این مفهومها در هستی ملت ما دارند.

نمی‌توان از یک سو این هزینه و کوششهای سنگین را برای پاسداری از آزادی و استقلال و حاکمیت ملی بر خورد هموار داشت، و از سوی دیگر به چند

گماشته بیگانه اجازه داد که در داخل کشور، علیه همه این دست‌آوردها به توطئه بپردازند.

اسبابچینی علیه حاکمیت ملی، در حقیقت هجوم بر همه آزادیهای فردی و اجتماعی مردم و داده‌های طبیعی یک کشور

است، و این اتهامی نمی‌باشد که بتوان از آن به سادگی گذشت.

مگر نه آن که اگر کسی آشکارا به استقلال و تمامیت ارضی ایران بخواهد تجاوز کند، در صحنه جنگ به خون کشیده

میشود پس تکلیف آن کسانی هم که در نهان با اسباب چینی دورماندن متهمان بازداشتی از آزار بدنی است، هیچ گفتگویی ندارد و بسیار به جا است که

«بستگان» «بازداشتی‌ها» احساس راحتی بکنند. ولی اگر منظور ایشان، یا آنچه در ذهن ایشان است، آزادی بدون دادرسی گروگانها است، باید به

ایشان وهمفکرانسان، در ایران آمریکا، باروشنی و صراحت اعلام داشت: مردم مبارز ایران اجازه نخواهند داد که متهمان با بازیهای سیاسی از چنگال عدالت بگریزند.

دلیل‌های توجه اتهام به بازداشت شدگان هم، تا آنجا که اعلام و افشاء شده است. به قطع و یقین بزهکاری آنان را نشان میدهد. دخالت‌های امپریالیسم

آمریکا در کارهای داخلی ایران، و توطئه‌های آن علیه حکومت‌های ملی و ضد استعماری، آنقدر آشکار است، و آنقدر بر احراز آن

دلیل و سند و قرینه و گواه وجود دارد، که حتی خود کاربدستان آمریکایی هم جسارت انکار آنها را ندارند.

نوشته‌ها و سخنرانی‌های مقام‌های آمریکایی در زمانها و مکانهای گوناگون به خوبی روشن می‌سازد که یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های آنان،

درهم شکستن حاکمیت ملی ما است، و همواره سفارتخانه و نمایندگان سیاسی آنها در ایران از اساسی‌ترین وسیله‌ها نیل به این خواسته غیر مردمی بوده

است. با سنگین بودن اتهام و فراوان بودن سندها و دلایل‌های اثبات

بازداشت اضطراری متهمان، یک اقدام قانونی و موجه به شمار می‌آید.

خانم لوئیز کندی، عنوان کرده است که «آقای کوئین مورد آزار بدنی و بازجویی‌های خشونت‌آمیز قرار نگرفته است».

کار بدستان جمهوری اسلامی ایران بارها این نکته را یادآوری کرده بودند، و بازدید کنندگان بازداشتی‌ها، بارها این حقیقت

را باین داشته بودند که هیچ آزار بدنی و یا بازجویی خشونت‌آمیزی در کار نبوده است ولی خانم لوئیز کندی و دست‌اندرکاران

وزارت امور خارجه آمریکا نمی‌خواستند این واقعیت را به پذیرند، آنها در عمق ضمیرشان میل داشتند رفتاری غیر اخلاقی

از مردم ایران سراغ‌کنند و آن را به بانگ هر چه بلندتر به دنیا اعلام دارند ولی این آرزوی آنها هم

بر آورده نشد و شیوه پاکیزه رفتار ایرانیان چنان بود که خانم لوئیز کندی ناچار به اعتراف شده است که «از گروگانها خوب نگهداری

می‌شود».

راست است از عناصر بازداشتی بسیار خوب نگهداری می‌شود. میزانهای اخلاق والای ایرانی در برخورد با آنها رعایت می‌گردد. ولی این هرگز بدان

معنی نیست که ارتکاب بزه علیه آزادی و استقلال ملی ما آزاد است.

نه، به هیچ روی چنین نیست، ما به حاکمیت ملی خود ارج می‌نهیم و در راه رسیدن به آن خون فرزندانمان را بر کوه و دشت ایران

فشانده‌ایم و اجازه نمی‌دهیم که سوداگران آزمند به گرمی‌ترین دست‌آورد فداکاریها، دستبرد

بزنند. خانم لوئیز کندی، در سخنان خود عبارتی به کار برده است که

می‌تواند، سرچشمه نگرانی‌هایی باشد، ایشان گفته‌اند، که «بستگان گروگانها احساس راحتی می‌کنند».

اگر منظور ایشان، یا آنچه در ذهن ایشان است، آزادی بدون دادرسی گروگانها است، باید به

ایشان وهمفکرانسان، در ایران آمریکا، باروشنی و صراحت اعلام داشت: مردم مبارز ایران اجازه نخواهند داد که متهمان با بازیهای سیاسی از چنگال عدالت بگریزند.

دادرسی قانونی جاسوسان بازداشت شده آمریکایی، یک ضرورت تاریخی است. آنهاست که

جوانان ساده دل ایرانی را، علیه همس میهنان خود تحریک می‌کنند، آنهاست که آرزوی درهم شکستن حاکمیت ملی ما را در سر

می‌پرورند. آنهاست که برای از میان برداشتن آزادی و استقلال ما، یک دم از تلاش باز نمی‌مانند،

می‌باید به دادرسی سپرده شوند، تا برای همیشه اندیشه تجا و ز به ایران از همه ذهن‌ها زدوده شود.

اگر ما نسبت به مردم خود سختگیر باشیم و نسبت به بیگانگان گذشت‌کننده، در حقیقت دردنیای عمل بدترین

شکل کاپیتولاسیون را به کار بستیم و آشکارا میزانهای جمهوری اسلامی ایران را نقض کرده‌ایم.

چون تعیین تکلیف جاسوسان بازداشت شده را برعهده نمایندگان ملت نهادند اکنون

که آماده کار و تصمیم‌گیری هستند از همه آنها می‌خواهیم تا خواست مردم برگزیننده خود، خواست ملی همه ایرانیان را که دادرسی جاسوسان بازداشت شده آمریکایی است، به پذیرند و

آموزش گسترده، ضرورت اجتناب ناپذیر

اگر شمار همه دانشمندان از آغاز تاریخ تا امروز با رقم صد نشان داده شود، بی گفتگو نود درصد از ایشان هم اکنون زنده اند و در کار پژوهش و آفرینشند و بی اغراق هر روز زمینه تازه‌ای را قلمرو جستجوی خود قرار میدهند و راه‌آورد تازه‌ای از رخسار بشر می‌سازند.

دانشمندان اگر روزی به نام شمار میشدند، اینک شمارشان چندان فزونی یافته که دیگر به نام شناختن آنان از میان برداشته شده، اینک در جهان هم‌زمان ما، اردوهای بزرگ از دانشمندان پدید آمده است. دیگر از «نفر»های دانشمند سخن نمیزوریم، سخن از سپاه بزرگ و یا بزرگتر دارند گمان دانش است، سپاه‌های بزرگی از دانشمندان پدید آمده و شمار و توانائی‌های این سپاه مردم فزونی می‌گیرد.

اکنون گفتگو از آن است که هر روز زمینه تازه‌ای برای پژوهش یافت شود، و به راستی زمینه‌های تازه هم می‌یابند.

از بررسی و تجزیه خاک ماه، و هوای زهره گرفته تا تنظیم دستور زبان همه قومه‌ها و ملتها در برنامه کار دانشمندان است.

اکنون دیگر گفتگو از آموزش همگانی نمی‌باشد، این اندیشه آشنا و دیرینه خواستهای است که فراهم آمده، و گفتگو درباره آن، روانیست. اکنون گفتگو از تجهیز ذهن‌ها و اندیشه‌های همگانی به ارزشهای بسیار والاتر از آموزش ابتدائی و متوسطه است.

اکنون، دیگر تنها «سواد داشتن» یا به «خواندن و نوشتن» قادر بودن گونه‌ای و اماندگی تلقی می‌شود و سخن از آفرینش آگاهی‌های گوناگون در وجود همه آدمیان، و پدید آوردن تخصص‌های دقیق، و افزایش توانائی‌های روانی و فکری و عاطفی انسان است.

اکنون کره کوچک زمین ما، صحنه سبقت‌گیری هیجان‌انگیز علمی و فکری ملتها شده است. هر ملت می‌کوشد، با فراهم آوردن انسانهایی توانا تر و آگاهتر و بالاتر، برتری خود را بر دیگر ملتها به تماشا بگذارد و به راستی «در خست» وجود آدمی، «باز دانش گرفته» و «بسر» «چرخ نیولفری» دست آزرده است.

اکنون ملتها، نه تنها به آموزش گسترده و پربار به مردم خود کمر بسته‌اند، بلکه دست خود را برای ربودن دانایان سایر ملتها، دراز می‌کنند،

و در راه به چنگ آوردن ایشان، دامها می‌تنند. اکنون همه نیک دریافته‌اند که گرامی‌ترین دارائی‌های هر کشور، انسانهای توانا و آگاه‌اند، و در راه فراهم ساختن این سرمایه، به هر تلاشی دست می‌زنند.

اکنون فراهم آوردن کتاب و نوشتار، دیگر کار شمار اندکی از دارندگان اندیشه و دانش نیست و همه ملت، می‌باید در فراهم آوردن ثروت فکری و علمی همدستی کنند.

در پانصد سال اول اختراع چاپ یعنی از سال ۱۴۵۰ تا ۱۹۵۰، در سراسر جهان، در حدود سی میلیون «کتاب» به چاپ رسید ولی از سال ۱۹۵۰ تا به امروز دست کم بیش از سی و پنج میلیون «کتاب» به چاپ رسیده است.

یعنی حاصل کار بشر در سی سال گذشته بیش از پانصد سال پیشتر از آن است و این توانائی آدمی در دانش آفرینی حیرت‌انگیز است و بی هیچ تردید با سرعت بر این توانائی افزوده خواهد شد.

این افسانه نیست، این قصه و پندار نیست، این یک حقیقت عریان و واقع است و بار رقم و عدد می‌توان آن را دریافت که در برخی از کشورهای در زمان کنونی، شمار دانشوران، و کارشناسان از شمار کارگران و یاکشاورزان فزونی گرفته است. اگر روزی، بیشترین راکشاورزان داشتند و یا اگر روزگاری شمار کارگران از هر گروه اجتماعی دیگر بیشتر می‌بود، در حال حاضر شمار دانشوران و کارشناسان به گونه‌ای یک گروه، از شمار همه گروههای اجتماعی دیگر، یعنی از کارگران، یاکشاورزان بیشتر شده است و باز هم بیشتر می‌شود.

مهارت به نوبه خود و در جای خود مورد نیاز اقتصاد کشور می‌باشد ولی جوهر و پایه اساسی اقتصاد رشد یابنده جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، بی‌گفتگو گسترش هر چه بیشتر آموزش دانشمندی گوناگون باشد.

اگر سران داریم که دردهای مردم ایران را شفا بخشیم، و اگر سران داریم که بر همه گرسنگان خوراکی مناسب ارزانی کنیم، و بر همه برهنگان جامه‌ای فراخور حال فراهم سازیم، و بر همه بی‌خانها، کاشانه‌ای شایان زیست بنیان نهیم، و بر بالین هر بیماری پزشک و دارو آماده نماییم، چاره‌ای نداریم جز آنکه به آموزش هر چه گسترده‌تر دانش‌های گوناگون رو بیاوریم.

پناه بردن به نهاد مای اداری آموزشی گذشته، و جستجوی راه‌حل در قالب کنکور و مانند آن، بی‌هیچ گفتگو ما را به بن‌بستهای ویرانگر روبرو خواهد ساخت. باید چنان عمل کرد که هیچ نوا می‌یا نوجوان یا جوان جوانی آموزش خود بیاموزیم. قدرت راستین ما در بارور ساختن ذهن‌ها و اندیشه‌های مردم میهن ما نهفته است و اگر از این باروری غفلت کنیم از پایه‌های اصلی آفرینش قدرت خود غفلت کرده‌ایم، و اگر از وابستگی اقتصادی و نظامی، رها نشویم، دیر یا زود، دوباره وابستگی‌های سیاسی ما را در چنبر خود خواهد فشرد.

میدانی که در برابر ما است، میدان مبارزه حیاتی با قدرتهای بزرگ جهان است و در این میدان جز با سلاح دانش، انیم دانش گسترده و زرف و همه‌گیر، نمیتوان پیروز شد. و اگر در این میدان پیروز نشویم، ارزشهای اخلاقی و معنای بلند فکری ما از رونق خواهد افتاد.

نه همان که رشد اقتصاد و نیروی دفاعی ما، به آموزش و دانش گسترده نیاز دارد، بلکه استوار ساختن پایه‌های اخلاق ما نیز به دانش و آموزش گسترده نیاز دارد. دانش و آموزش روزگاری، به گونه‌های گالاهای تجملی در اختیار خانواده‌های ثروتمند و با رفاه بود و باید این مدار بسته دانش و آموزش شکسته شود، و باید صدها هزار مردم آماده فراگیری دانشهای گوناگون به آموزش کشیده شوند.

دانش باید از صورت کلای تجملی خارج شود و در ذهن همه فرزندان این سرزمین نشانیده شود، تا نمره آن هم به خدمت مردم در آید.

آموزش ما، در تنگنای خفقان آور ساختن سیاسی و اجتماعی رژیم زشت گذشته از جلوه و تکاپو بازمانده است، اکنون که آن ساخته‌های سیاسی و اجتماعی در حال انهدام است می‌باید با قدرت بسیار بر تنگنای آموزشی حمله برد و می‌باید چسب‌چسب خفقان‌انگیز نظام آموزشی گذشته را یکباره درهم شکست و زمینه‌های بارور ساختن نیروی فکری مردم را فراهم ساخت.

هر گونه درنگ و تردید در فراهم آوردن آموزشی فراگیر دانشمندی برای همه مردم، دور ماندن از روح انقلاب اسلامی ملت ایران است.

در میان گروههای آماده فراگیری دانشمندی، گروه جوانان از همه آماده‌تراند و انبوه عظیم جوانان ما، آماده‌اند که همه وقت و قدرت فکری خود را در کار یاد گرفتن دانشهای گونه‌گون به کار اندازند و از اینک روزگارشان به بی‌حاصلی می‌گذرد سخت نگران و آفسردمانند.

روز درنگ در فراهم آوردن وسیله‌های آموزش گسترده جوانان، در حقیقت به معنای ترسیدن و کاستن از قدرت اقتصادی و دفاعی کشور است.

همه اسبابها و نیازهای لازم برای پدید آوردن آموزش فراگیر و زرف در کشور فراهم می‌باشد و تنها دشواری کار در برنامه‌ریزی لازم است. اگر در کار برنامه‌ریزی دقت و سرعت و قاطعیت به خرج دهیم، به آسانی می‌توانیم بر این دشواری بزرگ جوانان غلبه کنیم.

اما با کمال تأسف از جمع گفتارها و نوشتارهای کاربردستان کشور چنین احساس می‌شود، که ایشان ضرورت روی آوردن به آموزش گسترده، دانشمندی گوناگون و درهم شکستن قله‌های خفقان‌انگیز آموزش رژیم گذشته را در نیافتاده‌اند، یا اینکه دریافته‌اند ولی توانائی فراهم آوردن

بر شورای انقلاب بود که از بوجود آمدن مرکزهای قدرت خودکامه جلوگیری کند و نیروی دولت را در رویارویی با دشواریها تضعیف نکند و نهادهای انقلابی راستین در هماهنگی کامل با نهادهای دولتی میبایست بوجود می‌آمدند.

با کمال تأسف پس از پیروزی انقلاب هیچ یک از این ضرورتها، مورد توجه قرار نگرفت و دولت موقت با وجود برخورداری از پشتیبانی توده‌های میلیونی و رهبری آگاهانه امام خمینی چنان تشکیل شد که نه قاطع عمل کرد و نه نشانه‌ای از انقلابی بودن در آن وجود داشت.

گروهی در درون دولت موقت اعتقاد داشتند که نظام سابق را با کلیه قانونهای قبلی میبایست همچنان حفظ کرد تا زمانیکه بتوان نظام جدیدی را جانشین آن ساخت.

این منطق ممکن است صحیح بنظر برسد ولی در چهارچوب فکری یک نظام اصلاح طلب محافظه کار نه در راستای یک انقلاب ریشه‌دار.

انقلاب دگرگونی میطلبد و دگرگونی یعنی واژگون کردن کلیه نظمها و بهم زدن کلیه رابطه‌هایی که در گذشته برجا بوده‌اند و با جدول ارزشهای جدید سازگار نیستند.

در زمینه فراهم آوردن آموزش گسترده، هیچ گامی از جانب دست اندکاران برداشته نشده، سهل است گام و بی‌گام اعلام می‌کنند، که فلان امتحان بر گزار نخواهد شد و فلان کنکور دیرتر برگزار می‌شود. این شیوه روی روبرو شدن با دشواری آموزشی، ویرانیها شالوده بنای نو را صدها هزار خانواده خواهد بود.

ما برآنیم، که برطرف ساختن دشواریهای آموزشی، عرضه داشتن وسیله آموزش بر همه جوانان، بدون حتی یک استثناء کاری است آسان و شدنی و ضروری و از همه دست اندکاران می‌خواهیم که بی‌درنگ به سرگردانی جوانان پایان دهند و ذهن و فکر با اشتیاق و آمادگی آنان را در شبکه گسترده و انقلابی آموزش به کار گیرند و گر نه، در زمانی کوتاه، دشواریهایی پدید خواهد آمد که از نظام حاکم سلب حرمت خواهد کرد.

دوگانگی در روش برخورد و تردیدهایی که همیشه در دوران پس از انقلاب وجود داشته بدون شک ناشی از ناشناختن ویژگیهای حرکت جامعه و ناآگاهی و ناتوانی است.

یک گروه از دست‌اندر کاران دوران پس از انقلاب اصلاح طلب بودند و گروه دیگری نیز بدون هیچ گونه شناخت و آسنادگی انقلابی خود را با اجرای برنامه‌های بظاهر انقلابی گماشتند.

گروهی در دولت موقت عقیده داشتند که با اتخاذ سیاست محافظه کاری و حفظ ثبات دستگاه خواهند توانست که از فرار سرمایه‌داران، مددبران، تولیدکنندگان و بااصطلاح «مغزهای متفکر» جلوگیری کنند. تجربه نشان داد که خوش‌بینی این گروه چندان درست نبود و برغم برنامه‌های اطمینان دهنده این عده از ایران خارج شدند و در چند ماه پس از انقلاب پولها سریعتر از ماههای پیش از انقلاب از ایران بیرون رفتند.

از سوی دیگر نهادهای بظاهر انقلابی با کارهای نسنجیده و شتابزده و گاه غرض‌پورانه خود سوزاندگی را که ایران پس از انقلاب بدان نیاز داشت مشوش کردند.

در حالیکه دیوانسالاری پوسیده ایران مانند محتضری با چنگ و دندان به زندگی نکتیبار خود چسبیده بود، این نهادهای بظاهر انقلابی نیز نتوانستند جانشین شایسته‌ای برای نظام اداری فراهم کنند و نتیجه این

اداری فراهم کنند و نتیجه این

انقلاب را در گرداب لفظ پردازیها

شد که ایندو پایهای هم در تمام کارها بر قنات برخواستند و به آشوب و هرج و مرج دامن زدند. ترکیب دولت موقت و نیز دولت بدون رئیس بعدی، چنان بود که امکان هر گونه عمل انقلابی را سلب میکرد و در زمینه‌های فکری وزیران شاغل با یک دیگر در تعارض آشکار بودند.

مکتبی بودن در معنای عام آن بدان معنی است که فرد دارای یک دستگاه فکری کل باشد که در درون آن

رفتار و هر حرکت انطباق با پایه‌ها و بنیادهای فکری مکتب یابد. چنین دستگاه فکری که راهنمای رفتار وزیران باشد باید پذیرفت که تنها در مورد چندین وجود داشت و بقیه آنها در چنان درمنازگی فکری دست‌وپا می‌زدند که در روزار تخانه‌ها خود از عملهای رژیم گذشته کمک

عقیدتی می‌گرفتند و راه‌حل بسیاری از بغرنجها و دشواریها را، آنها پیش‌پایشان می‌گذاشتند به هیچ‌روی سببی برای شگفتی نباید باشد که برخی برنامه‌هایی که پس از انقلاب ارائه شدند همان برنامه‌های نظام سلطنتی به بیگانه بودند که بظاهر رنگ اسلامی به آنها زده و برخورد وزیران غیرمکتبی میدادند.

بسیاری از وزیران رویه‌هایی را پیش گرفتند که گویا از اصل «در این کشور انقلابی صورت نگرفته» و دنبال کارهای روزمره خود رفتند.

واژگون کردن بناهای گذشته به بوه فراموشی سپرده شد و کار انقلابی فقط اکتفا به عوض کردن مهرها شد، ولی سیستم کماکان بدون اینکه دست به ترکیب آن خورده باشد بر سر جای خود ماند. ظاهر کار این بود که عده‌ای بشدت فعالیت می‌کنند و برای پیشرفت کارها میکوشند ولی در بیان عاملهای رژیم گذشته با بکار بردن فوت و فنهایی که سالها در آموختن آنها کوشش کرده بودند جلوی پیشرفت کلیه کارها و بویژه کارهای عمرانی کشور را گرفتند.

حتی قانونهایی به شورای انقلاب فرستادند که تصویب هم شد و ظاهر آنها هم انقلابی بود ولی در ابلاهی آن ماده‌ها و تبصره‌هایی گنجانده که رژیم سرمایه‌داری وابسته، رژیم زمین‌داری و رژیم دلالی حفظ شود.

در برابر این تسوخته دیوانسالاری کهنه، نهادهای بظاهر انقلابی بجای بکار گرفتن نیروهای پاک، از موده و کاردان از کسان فرصت طلب و ناشناخته تشکیل یافته و با ناکار آئی‌ها و سردرگمی‌ها انحصار گرانیها و فرصت طلبیهای خود نته‌ها نمونه خوبی برای جایگزینی نهادهای گذشته، با نهادهای نوین ارائه ندادند بلکه بسیاری از ناپسامانیهای امروزی را نیز سبب گشتند. سهل‌انگاری و بند و بسته‌های بعدی رسید که بجای بستن مرزهای کشور پس از انقلاب برخی از همین نهادهای بظاهر انقلابی و نیز بخشی از دستگاه حکومتی تسهیل‌های لازم را برای گریختن جنسیتکاران و چپاولگران و ثروتهایشان بخارج فراهم کرد.

طرح ملی شدن بانکها هنگامی ارائه شد که میلیاردها پول این کشور به برون از مرزها انتقال یافته بود و هر بانکی چند برابر سرمایه خود بدهکاری داشت.

دولت پس از انقلاب خود به ایجاد نهادهای انقلابی اقدام نکرد و ادعائی نیز درباره انقلابی بودن

بقیه در صفحه ششم

ضرورت تاریخی

بی‌هیچ واژه بر آن پافشارند و از هیچ شخصی و گروهی، هیچ عذروتوجهی را نپذیرند. دادرسی جاسوسان بازداشت شده یعنی اجرای حاکمیت ملی، یعنی احترام به استقلال و آزادی کشور و یقین است که نمایندگان ملت راهی جز این بر نخواهند گزید.

این ایراد هم که دادرسی نمایندگان سیاسی بیگانه را با میزانهای حقوق و روابط بین‌المللی دارای انطباق نمی‌داند، نیز آشکارا نایجاست، زیرا قاعده و قراهائی که دولت آمریکا و هوادارانش در ایران، مورد استناد قرار می‌دهند به مصونیت نمایندگان سیاسی فقط در کارهای ناشی از وظیفه رسمی ایشان است و هیچ کس حق ندارد با استفاده از این مصونیتها ملی کشوری را درهم بشکند. حاکمیت دادرسی جاسوسان بازداشت شده آمریکائی از هر جهت قانونی و درست است و نمایندگان ملت باید که درسریعترین وقت ممکن دستور تشکیل دادگاه شایسته را صادر کنند.

بقیه در صفحه ششم

ارگان حزب ملت ایران

الف ۷۳۴۵
آگهی حصر وراثت
 خانم کافیه محمدیاری بشناسنامه ۱۰۳
 بشرح دادخواست کلاسه ۸۹۰/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان صفر محمدیاری بشناسنامه ۲۶۴ در تاریخ ۵۸/۷/۱۱ این شعبه توضیح داده شادروان در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه همسر دائمی و مسهران محمدیاری بشناسنامه ۳۰۴۳ و جعفر محمدیاری بشناسنامه ۳۱۲۶ و محمدتقی محمدیاری بشناسنامه ۶۸۲ پسران و زهرا محمدیاری بشناسنامه ۱۲۲۹ دختر و گل جمال محمدیاری بشناسنامه ۸۹ مادر متوفی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۴۴
آگهی حصر وراثت
 آقای محمد کاظم پیران بشناسنامه ۹۵۳۰۵ بشرح دادخواست کلاسه ۸۹۴/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان علی پیران بشناسنامه ۴۷۲۰ در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۵ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه وحسن پیران بشناسنامه ۵۱۹ پسران و بانو صغری پیران بشناسنامه ۴۷۲۸ دختر و قاطمه مینوسپهر بشناسنامه ۴۳۴۹ م در متوفی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۴۳
آگهی حصر وراثت
 آقای علیمحمد شهیر به سروس فرید مجتهدی بشناسنامه ۱ بشرح دادخواست کلاسه ۷۳۵/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان یحیی فرید مجتهدی بشناسنامه ۸۱۷۵ در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۰ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضی و حسنعلی شهیر به اردشیر فرید مجتهدی بشناسنامه ۱۳۰ و محمد صادق شهیر به خسرو فرید مجتهدی بشناسنامه ۳۹۳ و ابوالقاسم فرید مجتهدی بشناسنامه ۱۴۸۶۸ و محمد مهدی فرید مجتهدی بشناسنامه ۱۵۰۵۴ و هدایتاله فرید مجتهدی بشناسنامه ۱۵۲۲۶ و حسین فرید مجتهدی بشناسنامه ۴۶۶ پسران و نرجس فرید مجتهدی بشناسنامه ۱۴۵ منصوره فرید مجتهدی بشناسنامه ۲۶۱ و فریده فرید مجتهدی بشناسنامه ۱۴۸۶۷ دختران و حاجیه مارشایسته شیخعلی کلاسه بشناسنامه ۶۷ همسر دائمی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۴۲
آگهی حصر وراثت
 آقای قاسم شمدل بشناسنامه ۱۹۴۲۴ بشرح دادخواست کلاسه ۱۴۵/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان زین‌العابدین رعیت بشناسنامه ۱۹۴۲۹ در تاریخ ۴۳/۱۱/۲۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضی و نعمتاله بشناسنامه ۳۷۲۷۰ و بشناسنامه ۲۳۴ پسران و نصرت بشناسنامه ۲۳۵ و محترم بشناسنامه ۱۹۴۲۵ دختران و ربابه بشناسنامه ۱۹۴۲۳ همسر دائمی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۴۱
آگهی حصر وراثت
 آقای زان مسیحی زان بشناسنامه ۱۱۶۸۹ بشرح دادخواست کلاسه ۷۰۲/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان بانو نرگس زان بشناسنامه ۱۱۶۹۰ در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۳ در تهران فوت شده و وراثت حین القوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- زان مسیحی فرزند اکاشهرت زان بشناسنامه ۲۳۴ پسران و زهرا شادروان تهران ۲- رنه فرزند اکاشهرت زان دارای شناسنامه شماره ۲۴۰ صادره از تهران ۳- اودت فرزند اکاشهرت زان دارای شناسنامه شماره ۵۶ صادره از تهران، غیر از سه نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد.
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۱
رئیس شعبه ۱۷ دادگاه صلح تهران- مهدی حافظی

الف ۷۳۳۸
آگهی حصر وراثت
 خانم کبری عباس زرین بشناسنامه ۱۵۳۹۶ بشرح دادخواست کلاسه ۹۰۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن زرین بدرقه بشناسنامه ۶۷۶ در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۳ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه همسر دائمی و قاسم زرین بدرقه بشناسنامه ۳۰ و محمدرضا زرین بدرقه بشناسنامه ۲۲۸ پسران و ویریدخت زرین بدرقه بشناسنامه ۴۵۸ دختر
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۳۷
آگهی حصر وراثت
 آقای محمد آراسته بشناسنامه ۳۹۷ بشرح دادخواست کلاسه ۹۳۳/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان غلام آراسته بشناسنامه ۱۲۲۳ در تاریخ ۵۸/۴/۲۷ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضی پسر و قاطمه آراسته بشناسنامه ۱۳۸ و مرضیه آراسته بشناسنامه ۱۰۲۴ و زهرا آراسته بشناسنامه ۶۲۴ و وجیهه خانم آراسته بشناسنامه ۳۳۹۹ و صدیقه آراسته بشناسنامه ۸۷۷ دختران و بتول قمی نژاد بشناسنامه ۲۴۸۴ همسر دائمی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۳۶
آگهی حصر وراثت
 خانم صغری صمیمیان بشناسنامه ۲۲ بشرح دادخواست کلاسه ۷۳۶/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حبیب جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۱۶۵ در تاریخ ۵۰/۱۱/۱۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه همسر دائمی و محمد جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۶۳۰ و علی جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۸۷۹ پسران و معصومه جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۸۴۳ و آذر جعفر سرشکی بشناسنامه ۴۶۶ و اعظم جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۶۷۸ دختران متوفی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۳۵
آگهی حصر وراثت
 آقای غلامعباس فراهانی صبا بشناسنامه ۱ بشرح دادخواست کلاسه ۷۳۴/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان عزیزاله درمنکی فراهانی بشناسنامه ۲۵۱ در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضی و زین‌العابدین فراهانی صبا بشناسنامه ۴ پسران و صدیقه درمنکی فراهانی بشناسنامه ۴۸۶ و حدیقه درمنکی فراهانی بشناسنامه ۱ و خدیجه درمنکی فراهانی بشناسنامه ۱۵ و عذرا درمنکی فراهانی بشناسنامه ۷ دختران و قاطمه سلطان درمنکی فراهانی بشناسنامه ۳۷۱ همسر دائمی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۳
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۳۴
آگهی حصر وراثت
 خانم معصومه جعفری بشناسنامه ۷ بشرح دادخواست کلاسه ۷۳۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن قید بیگلر بشناسنامه ۱۱۰۶ در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۲ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه همسر دائمی و حسین قیبه بیگلر بشناسنامه ۲۱۵۹ و محمد قیبه بیگلر بشناسنامه ۳۵ و مجید قیبه بیگلر بشناسنامه ۳۶۶۹ و مسعود قیبه بیگلر بشناسنامه ۲۰۵ و علیرضا قیبه بیگلر بشناسنامه ۱۵۵۵ پسران و زهرا قیبه بیگلر بشناسنامه ۸۴۶ و طاهر قیبه بیگلر بشناسنامه ۴۱۸ و افسانه قیبه بیگلر بشناسنامه ۱۰۲۲۷ دختران متوفی.
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۳
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۳۳
آگهی حصر وراثت
 خانم رقیه امیر کبیر بشناسنامه ۵۸۹ بشرح دادخواست کلاسه ۱۲۹۵/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان محمد اصغرزاده خال بنیان بشناسنامه ۵۶۰۲۲ در تاریخ ۵۸/۶/۶ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه و سرور باقری بشناسنامه ۳۶۹۹ همسران متوفی و عباس اصغرزاده فال بنیان بشناسنامه ۱۳۰۵ و اکبر اصغرزاده فال بنیان بشناسنامه ۲۷ پسران و گیتی اصغرزاده فال بنیان بشناسنامه ۱۵۴ و نرمنین اصغرزاده فال بنیان بشناسنامه ۲۹۴ و طناز اصغرزاده فال بنیان بشناسنامه ۲۷۶۴۹ و گلناز اصغرزاده فال بنیان بشناسنامه ۲۷۶۵۰ دختران و زلیخا اصغر زاده فال بنیان، بشناسنامه ۵۶۰۱۸ مادر متوفی.
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۳۲
آگهی حصر وراثت
 خانم ربیاه قنایزی بشناسنامه ۷۰۶ بشرح دادخواست کلاسه ۳۰۴/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان سیداحمد علمی بشناسنامه ۱۱۰ در تاریخ ۵۸/۸/۱۶ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه همسر دائمی و اشرفالسادات بشناسنامه ۱۰۵ و اکرمالسادات بشناسنامه ۵۹۵ و اقدسالسادات بشناسنامه ۶۳۰ دختران شهرت همگی علمی میباشد.
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۲
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۳۱
آگهی حصر وراثت
 خانم فخری بیات بشناسنامه ۶۰۳۲۲ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵ این شعبه توضیح داده شادروان احمد اسمعیلی بشناسنامه ۱۴ در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۵ در گذشته وراثت حین القوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- مستقاضیه با مشخصات فوق الذکر عیال دائمی متوفی ۲- فریبرز اسمعیلی به شناسنامه ۳۴۹۱ صادره از تهران ۳- حمید اسمعیلی به شناسنامه ۱۲۷۰ صادره از تهران ۴- داریوش اسمعیلی به شناسنامه ۱۲۹۸ صادره از تهران ۵- سعید اسمعیلی به شناسنامه ۲۹۴۲ صادره از تهران ۶- مسعود اسمعیلی به شناسنامه ۲۳۱۵ صادره از تهران پسران متوفی ۷- ملیحه الزمان اسمعیلی به شناسنامه ۱۷۲۱ صادره از تهران ۸- مهوش اسمعیلی به شناسنامه ۱۴۸ صادره از تهران ۹- پرویش اسمعیلی به شناسنامه ۲۶۵۴ صادره از تهران ۱۰- منصور الزمان اسمعیلی به شناسنامه ۴۷۰ صادره از تهران ۱۱- فریبا اسمعیلی به شناسنامه ۴۷۰ صادره از تهران ۱۲- نزهت الزمان اسمعیلی به شناسنامه ۳۶۰۰ صادره از تهران دختران متوفی ورثه دیگری ندارد.
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۱
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

الف ۷۳۳۰
آگهی حصر وراثت
 آقای احمد داودی بشناسنامه ۱۵۳۳ بشرح دادخواست کلاسه ۹۲۶/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان ابراهیم داودی دمیرچی بشناسنامه ۵۸۳۳ در تاریخ ۵۹/۲/۲۰ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه و غلامرضا داودی دمیرچی بشناسنامه ۴۵۸ پسران و خدیجه نوبرانی مهرام بشناسنامه ۸۱۷۳ همسر دائمی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۳
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

الف ۷۳۲۹
آگهی حصر وراثت
 آقای احمد داودی بشناسنامه ۱۵۳۳ بشرح دادخواست کلاسه ۹۲۶/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان ابراهیم داودی دمیرچی بشناسنامه ۵۸۳۳ در تاریخ ۵۹/۲/۲۰ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه و غلامرضا داودی دمیرچی بشناسنامه ۴۵۸ پسران و خدیجه نوبرانی مهرام بشناسنامه ۸۱۷۳ همسر دائمی
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۳-۳
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-عبائی

آگهی تأسیس شرکت ماژنتا با مسئولیت محدود
 شرکت ماژنتا با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۹/۴/۴ تحت شماره ۳۷۷۶۱ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:
 ۱- موضوع شرکت: احداث لابراتوار ظهور فیلم و عکس و اسلاید ایجاد مرکز آموزشی عکاسی و تهیه فیلم و اسلاید آموزشی ایجاد فروشگاههای لوازم مسمی و بصری ارائه خدمات فنی لابراتواری فیلم و عکس صادرات و واردات و هر نوع امور مجاز تجارته.
 ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان قلهک خیابان دولت خیابان قیطره شماره ۱۱
 ۳- سرمایه شرکت: مبلغ ده میلیون ریال.
 ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان احمد محمدتقی خانی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل مهدی جبل عاملی مدیر مالی و عضو هیئت مدیره رضا محمدتقی خانی بسمت هیئت مدیره بدمت نامحدود انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد مربوط بشرکت از قبیل چک و سفته و برات و قراردادهای تمهیدآور و اسناد رسمی با امضاء مدیرعامل و مدیر مالی با مهر شرکت معتبر میباشد.
 م الف ۹۹۵۷ مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

آگهی انحلال شرکت مسیورینج با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۳۵۸۳۸
 باستناد صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۱۳۵۹/۲/۳۱ شرکت فوق منحل گردید و آقای عبدالرضا محمدی فرزند بنستانی میدان رضائیا کوچه فانی شماره ۹۰ طبقه پنجم بسمت مدیر تصفیه انتخاب گردید.
 اداره ثبت شرکتها و موسسات ۲۵۹۰ غیر تجاری در تهران

آبلاغ وقت دادرسی به آقای اصغر احدی مقدم غضنفر
 آقای محمد حسن محمود زاده بوکالت از طرف بانو منصوره عضو شورای اخلاقی و تعدیل مال الاجاره و بطرفیت شما دادخواستی بخواسته باستناد مدارک پیوست بدادگاههای صلح تهران تقدیم داشته که باین دادگاه ارجاع و بکلاسه ۱۶۲/۵۹ ثبت و باین وقت رسیدگی بروز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱۹ ساعت ۱۱ صبح نسخه ثانی دادخواست و ضمائم بنشانی شما ارسال که هیچیک از بستگان و منسوبین شما در محل نبوده و مأمور بانتظام اعلامیه و اوراق آن به محل آید شما طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی اقدام نموده است. لذا باستناد تبصره ذیل ماده مذکور مراتب بیکتوبت در یکی از روزنامههای کثیرالانتشار محلی درج میشود که ظرف یکماه پس از انتشار بدقت شعبه ده دادگاه صلح تهران مراجعه و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم رادریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید و الا نسخه ثانی دادخواست و ضمائم ابلاغ شده محسوب و دادگاه غیاباً اتخاذ تصمیم خواهد نمود.
 م الف ۹۹۴۹
مدیر دفتر شعبه ده دادگاه صلح تهران

آگهی حصر وراثت
 خانم مرضیه بیگم مسلولی خاثری بشناسنامه ۷۵۴۸ بشرح دادخواست کلاسه ۲۲۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن خان بهار بشناسنامه ۲۵۳۸ در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه همسر دائمی و زاله بهار بشناسنامه ۴۴۰۳ و زهره بهار بشناسنامه ۶۸۱ دختران.
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
 ۳-۱
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

آگهی حصر وراثت
 خانم مرضیه بیگم مسلولی خاثری بشناسنامه ۷۵۴۸ بشرح دادخواست کلاسه ۲۲۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن خان بهار بشناسنامه ۲۵۳۸ در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ در گذشته ورثه وی عبارتند از: مستقاضیه همسر دائمی و زاله بهار بشناسنامه ۴۴۰۳ و زهره بهار بشناسنامه ۶۸۱ دختران.
 لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از او در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
 ۳-۱
رئیس شعبه اول دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

ارگان حزب ملت ایران

بیماریهای نظام حکومتی ایران

بازارهای صادراتی، خطر سرگردان ماندن و بی‌راهه رفتن در بازارهای جهانی، خطر انحراف جوانان، خطر افزایش بیکاری، خطر تورم، خطر آلوده شدن محیط، خطر بیشتر عقب افتادن از کاروان دانش بشری، خطر قدرت یافتن دشمنان خارجی، و سرانجام خطر بزرگ از دست رفتن استقلال و آزادی کشور.

این خطرها، هیچکدام گزافه‌گویی نیست، همه آنها واقعیت‌های حس شدنی‌اند. براستی این خطرها وجود دارد و ما را در میان گرفته است.

برخی از این خطرها هم اینک پنجه در حلقوم ما افکنده و برخی از آنها در کنار خانه ما، در انتظار فرصت مناسب برای یورش نشسته و برخی دیگر به گونه‌ای بیم‌دهنده در پیرامون ما، پرواز می‌کنند.

تنها نیروی دفاع کننده در برابر این خطرها، نظام حکومتی است که باید همه این خطرها را از ایران دور کند. اگر نظام حکومتی آگاهی و توانائی تا راندن این خطرها را نداشته باشد، دیر یا زود یک آنها، بر هستی ملت ما فرود خواهند آمد و زندگی را بر همگان تلخ و تیره خواهند ساخت.

نظام حکومتی ایران امروز، نه تنها از نیروی تحرک برخوردار نمی‌باشد بلکه دردها و بیماریهای بار شده بر آن چندان سخت و چندان زیاد است که هر کس را، نسبت به آینده کشور احساس مسئولیت داشته باشد، در بیم می‌افکند.

یکی از بیماریهای خطرناک نظام حکومتی ایران سنگین بودن بار مسئولیتهای آن میباشد، زیرا، جز حکومتی صدرصد توانیتر کمتر حکومتی در طول تاریخ اینهمه مسئولیت بر خود پذیرفته است. نظام حکومتی ما، این مسئولیتها را به تدریج و آرام آرام بر خود بار کرده، این مسئولیتها بر اساس یک اندیشه سیاسی و اجتماعی مشخص، بر نظام حکومتی بار نشده، بلکه در زیر و بم کشمکشهای قدرت، و در فراز و نشیب رویدادها، و در زیر فشار الزامهای ناشی از خواست گروههای گوناگون، یا بر اثر نارسائی و ناتوانی بخش خصوصی، این مسئولیتها بر نظام حکومتی بار شده و مجموعه بسیار سنگین وظیفه‌های حکومت را پدید آورده است.

وظیفه‌های حکومت ما، بسیار سنگین و بسیار رنگین است و مردمی هم که خواستار انجام سریع این وظیفه‌ها می‌باشند، به اندازه کافی شکیبائی کرده‌اند و دعوت ایشان به بردباری بیشتر، کار آسانی نیست. زیرا دردهای مردم که می‌باید حکومت به درمان آنها بپردازد، شدید و از پافکن است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، حکومت بر مسئولیتها و تعهدهای خود به ناگهان بسیار افزود ولی توانست گام مؤثری در اجرای وظیفه خود بردارد. حکومتی که اینهمه بار سنگین بر شانه گرفته، چندان که توانائی اجرای آنها را ندارد، از فلسفه سیاسی روشنی هم برخوردار نیست و در نظام آن بنیادها و قاعده‌های معینی قرار ندارد. حکومت ما در یک جا و یک زمینه از اندیشه لیبرالیسم ناب‌قرن هجده پیروی می‌کند و در جای دیگر سخت‌ترین اندیشه توتالیتر را راهنمای خود می‌سازد.

برای نمونه حکومت خود را متعهد به تهیه کار برای بیکاران نمی‌بیند، و به بیکاران کشور ندا می‌دهد «بروید در بیابانها کار کنید» و در جای دیگر، تمام منیع‌های ثروت کشور را در چنگال خود می‌گیرد.

حکومت آشکارا خود را متعهد به فراهم آوردن وسیله آموزش عالی و تخصصی برای همه جوانان کشور نمی‌شناسد ولی در عین حال به مردم هم اجازه داشتن و به راه انداختن مدرسه و آموزشگاه نمی‌دهد و تمام نظام آموزشی کشور را از آغاز تا انجام در پنجه قدرت و کنترل خود گرفته است. از این نمونه‌ها فراوان می‌توان نشان داد، سرپای نظام حکومتی ما گواه است که از ساخت فکری و سیاسی انتظام یافته‌ای برخوردار نمی‌باشد و نمی‌تواند، رابطه خود را با مردم استوار سازد و ناگزیر تکلیف مردم هم در برابرشان روشن نیست.

حکومت همه زمینه‌های قدرت و حرکت را آشکارا در اختیار گرفته، اما از قبول تعهداتی که این شیوه کار به بار می‌آورد، سر می‌پیچد و پیامدهای این حاکمیت مطلق را پذیرا نیست.

بیماری دیگر حکومت، در ایران آغستگی شدید نظام اداری آن یا سیاست است، هر نظام حکومتی چون کارخانه بسیار بزرگی می‌باشد که از کسب کارگزاران فراوان تشکیل شده و هر سازمان اداری یکی از این کارگاهها است و می‌باید بر اساس قاعده‌های خاص خود گردانده شود و مدیریت هر کدام از این سازمانها، ویژگی‌های دارد که می‌باید رعایت گردد. ولی آغستگی شدن سیاست در نظام اداری، ویژگی‌های اداره هر سازمان را از نظرها دور داشته است و نوسانهای سیاسی با سرعت در همه سازمانها اثر می‌کند.

و تعارض‌های سیاسی میان شخصیتها و گروهها در سازمانها بازتاب می‌یابد و هر یک از آنها ویژگی و شیوه‌های خاص خود را از دست داده و به گوشه‌ای از نظام سیاسی بدل شده است.

هر گاه که نظام سیاسی به تب و تاب می‌افتد، نظام اداری نیز در بحران فرور می‌رود و از این رهگذر مجموع نظام حکومتی نیز به تلاطم در می‌آید.

و از آنجا که نظام سیاسی ما، نوسانهای تند و شدید داشته و

انقلاب را

خود نداشت و شاید این پدیده‌ای بود که در هیچ انقلاب دیگری در دنیا سابقه نداشت که دولتی که پس از یک انقلاب بیاید حساب خود را از انقلاب جدا کند و بگوید من آهسته آهسته و با کمال محافظه کاری سعی میکنم آب از تکان نخورد و مردم به زندگی عادی!! گذشته خود ادامه دهند تا یک عده‌ای دیگر انقلاب را به ثمر رسانند.

این خلأیی که ایجاد شد فرصت بدست خود کامگان داد تا خود را انقلابی بنامند و هر کس در گوشه‌ای دستگاهی راه بیاندازد و به هر خرابکاری نام عمل انقلابی دهد و این رفتار از جانب هر دو گروه هم‌گنون نیز ادامه دارد.

گروهی از کاربدستان کشوری طرحهایی برای اصلاح کارها دارند که در پیچ و خم آنها می‌توان بزرگترین قدرتهای انقلابی را بزانو درآورد.

معیارها و شاخصها همه عاریت گرفته شده از غرب و زائیده اندیشه‌های اصلاح طلبانه غربی است.

اینها توده‌های مردم را که در پرتو آموزشهای اسلامی انقلابی ایرانی کردند نمی‌بینند و همان راههای گذشته را میخواهند ادامه دهند و این انقلاب را در گرداب لفظ پردازیهایی خود غرق میکنند.

بعضی از مرکزهای خود کلامه قدرت و نهادهای غیر مسئول نیز کوشش براین دارند که معیار و

می‌سازد، بیماری افسردگی و سرخوردگی، که در انبوه کارکنان و کارشناسان سازمانها پدید می‌آید.

کارکنان و کارشناسان سازمانها پس از سپری کردن زمان کوتاهی در داخل سازمان، به روشنی احساس می‌کنند، که سرنوشت آینده آنان را، قدرتهای سیاسی تعیین می‌نمایند، نه ارزشهای فکری و علمی و فنی و نه کوشش ایشان.

پس گروههای بزرگ کارکنان و کارشناسان جای آنکه بر به آگاهها و توانائی‌های خود بپایانند و به جای آنکه تلاش خود را بیشتر کنند و به جای آنکه ارزشهای خویش را وثیقه پیشرفتهای آتی خود بدارند، آغاز بدان می‌نهند که با صاحبان قدرتهای سیاسی آشنائی حاصل کنند و مهر ایشان را نسبت به خود برانگیزند، و این لطف را تکیه گاه استوار حیات اداری خود بسازند و ناگفته پیدا است که تلاش کارکنان و کارشناسان در برانگیختن و جلب مهر و لطف صاحبان قدرت سیاسی، چه پیامدهای هول‌انگیزی در دنبال دارد.

حاصل همه این کوشش و کوشش آن است که در مجموع نظام حکومتی دو گروه بسیار متفاوت از انسانها پدید می‌آید. یک گروه رنجیده، سرخورده، ناامید و بی‌اعتنا به کار خود و حتی بی‌التفات به آینده خویش و گروه دیگر، پرتکاپو در شناختن شخصیتها و راه انداختن کار آشنایان و وابستگان و صفت مشترک هر دو گروه آن است. که هر دو نسبت به سرنوشت و مسئولیتهای سازمان و مؤسسه خود بی‌تفاوت‌اند.

شاخص برگزیده شدن به پستهای اجرائی در رابطه با سلیقه و سود خود قرار دهند.

اینان بدون کوچکترین اطلاعی از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این ملت الگوهای دیگری ارائه میدهند که همان اندازه به زندگی ایرانی ناآشناست که الگوهای غربی.

یکی از ایرادهائی که همیشه به دولت موقت گرفته میشود جانسپین کردن روابسط خویشاوندی و شخصی در انتصابات بجای ضوابط درست در مورد دانش، تجربه و کارائی بود.

دولت موقت بدون هیچ‌گونه دلیل موجهی خود را از نعمت بهره‌گیری از استعدادهای هزاران جوان با ایمان در اداره کشور محروم کرد و سپس گناه درمندانگیزها را به گردن «نداشتن آدم» انداخت ولی تأسف بارتر از آن داستانی کسانی بود که دولت موقت ایراد میکردند و خود دامنه خویشاوند گرائی و بسده بستنهای شخصی را فراتر بردند.

چه زود هدفها و آرمانهای انقلاب فراموش شد و گروهی بر سر تقسیم غنیمتها با یکدیگر به زد و خورد پرداختند.

هر روز جمله‌ای را از پیامهای امام خمینی گرفتند و آنرا بنبغ

از خبرهای هفته

در این اداره و عدم پاکسازی کامل اعلام کرده‌اند. وزیر ارشاد ملی در این رابطه اظهار داشت:

«مسئول این اداره از خود سلب مسئولیت کرده و از این رو مردم اصفهان باید بدانند که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، امور مربوط به اصفهان به تعویق می‌افتد و چه بسا سر نوشت نامعلومی پیدا کنند.»

وزیر ارشاد ملی در رابطه با این اشغال در خصوص بیانیه اخیر «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» گفت:

«نظر من این اقدام تخریبی اشغال اداره کل ارشاد ملی اصفهان نیز نتیجه همین بیانیه بوده‌است که گروهی را به چنین عملی تحریک کرده‌است که عواقب آن بدون تردید گریبانگیر متقاضیان حج اصفهان خواهد شد.»

۹۲۵۰/م الف
صغری دانشمند منش به شناسنامه ۲۸۹۶ صادره از تهران دختران متوفی ورته دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی بیکمتریه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران ۳-۱ محمد ابراهیم طاقف

۹۲۴۶/م الف

آگهی افزایش سرمایه در شرکت سینا ایران با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۷۹۷۰

برابر صورتجلسه مورخ ۵۹/۴/۱۲ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت مذکور تصمیات زیر اتخاذ شد: ۱- آقای نهاد صباغ و خانم میریل صباغ هر یک با پرداخت مبلغی بصندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را بترتیب به مبلغ ۱۲۵۰۰۰۰ ریال افزایش دادند و در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیون ریال به سه میلیون ریال افزایش یافت و اسامی و میزان سهم‌الشرکه هر یک بشرح زیر است: الف- آقای نهاد صباغ و خانم میریل صباغ هر یک دارنده مبلغ ۱۲۵۰۰۰۰ ریال و خانم لیلیان حکیم دارنده مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه میباشند.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری تهران

آرمان‌ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی

خیابان سیند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

تذکیر ادر چار چوب «وضع ظاهری» زندانی نکنید

سالروز شهیدان قیام ملی سی ام تیر زنگار نفاق بر گرامی ترین خاطره ها

آزادخواهی را در بوتهی آزمایش سرافکنده می‌سازد. بررگداشت قیام ملی سی ام تیر ماه ۱۳۳۱، خروش خونین مردمی که تاریخ را دگرگون ساختند، امسال از دو سو در چنبر خودخواهی‌هایی ناستوده اسیر شد.

یکسو آنانکه به ناحق یدک کش نام افتخار آفرین سازمانی هستند که یادآور بهشت ملی ایران به پیشوایی مصدق می‌باشد و سوی دیگر انحصارگرانی که همه چیز را در حیله قدرت طلبی‌هایشان به بند می‌کشند و حقیقت را تحریف می‌کنند و از هیچ نیرنگی برای رسیدن به هدفهایشان دریغ نمی‌ورزند

در چنین جوی آنانکه خود را در برابر تاریخ برای حفظ میراثی ملی دارای تعهد می‌دانند، بی‌شک بخاطر آسیب رسیدن به آنچه بگونه‌ی حیثیت و شرفشان با ارزش است به انجام وظیفه بسنده می‌کند و در انتظار فرصتهای بهتر می‌نشیند. روز بیست و نهم تیرماه بد نبال اعلانهای بی درپی سازمانی که نام جبهه ملی دارد، قرار برای گذاشته بود تا در کلوپ خود آئینی در بزرگداشت شهیدان سی ام تیر برپا دارد.

اشغال کلوپ دکور شده در جوی پر از تحریک و هیجان، همراه با کردارهای خلاف قانون، مانع از اجرای برنامه بزرگداشت این سازمان گردید.

عصر همانروز بدعت دو سه خانواده از بازماندگان شهیدان و بعضی وابستگان حزب جمهوری اسلامی در مزار شهیدان قیام ملی سی ام تیر گرد هم آئی کویچی انجام گرفت.

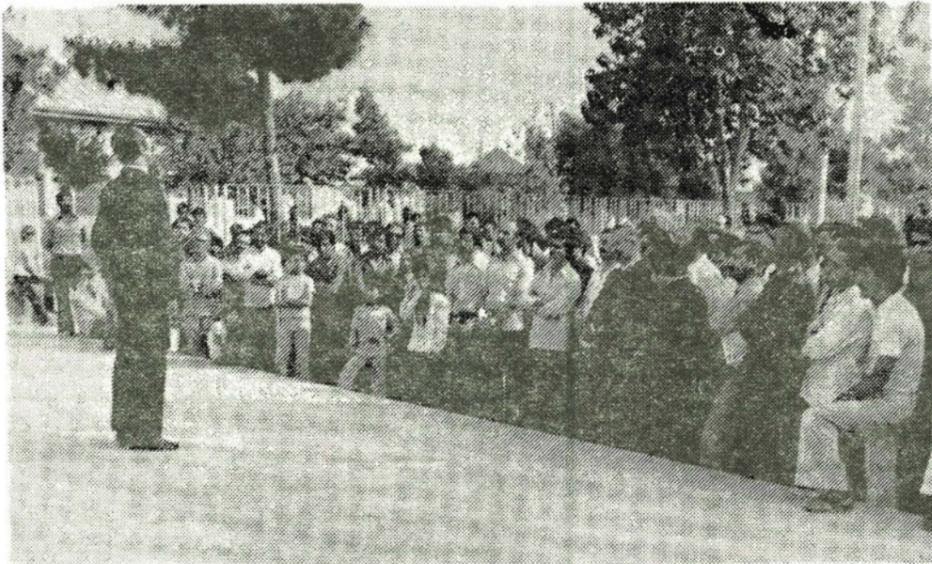
با وجود تبلیغات فراوان پیرامون سخنرانی یکی از دست اندرکاران حکومت، این آئین در محیطی سرد و بی شکل «ار سربار کردن» برپا شد.

حزب ملت ایران که سال گذشته با تلاشی چشمگیر به بازسازی مزار شهیدان پرداخت و در بزرگداشت یاد آن به خون خفتگان با ایجاد «کمپتهی برگزاری یادواره شهیدان سی ام تیر» که از نمایندگان حزبهها و سازمانهای سیاسی و خانواده‌های شهیدان تشکیل شده بود بی هیچ آوازی گری کوشید، امسال برای حفظ

حرمت شهیدان و ندادن بهانه به تفرقه افکنان حرفه‌ای، تنها از کاربدستان و وابستگان شوراهای سازمان مرکزی و سازمان شهرستان خود حواست تا ساعت چهار بعد از ظهر روز سی ام تیر در قرارگاه مرکزی حرب حضور

داشت، چنین لب به سخن گشود: «بسام خدا و به نام پایدگی ایران و با درود به روئ تاباک شهیدان گلگون کفن قیام ملی سی ام تیرماه. برای کسانی که سال پیش، آن رژه‌ی شکوهمند سپاس ملی را بحاضر می‌آورد،

آئین برپا شد. اعتقاد حرب ما بر اینست که رورهائی چون سی ام تیر نمی‌تواند از آن یک دسته باشد. حتی دسته‌هایی که در پیدائی چنین رورهائی نقشی چشمگیر و تعیین کننده داشته‌اند، حق



همرزم داریوش فروهر در مزار شهیدان سخن می‌گوید

بهم رساند و سپس راهی ریبار تریب شهیدان قیام ملی سی ام تیر شود.

ساعت پنج بعد از ظهر می‌ی بوسه‌ها به ایس بابویه رسید همزمان با حلقه‌های گل که نشان حرب بر آن نقش بسته بود و دسته‌های گل که هریک نوار سیاهی بانام حرب داشت، به مزار شهیدان رفتند.

در چشمان یکایک آنان افسوس تلخ موج می‌زد. آنها «رژه سپاس ملی» سال پیش را بحاضر می‌آوردند که این بابویه ریرپای رائران می‌لررید و دسته دسته مردم بی هیچ نام و نشان خاصی و بی هیچ علامی از حربی، از کنار مزار شهیدان می‌گذشتند و فاتحه می‌خواندند و گل نثار می‌کردند. اگر انقلاب به سوی هدفهای عالی انسانی خود پیش

میرفت و کشور اسیر خودکامی اندک شمار میوه چینان پیروزی نمی‌شد درست این بود که هر سال یادواره‌های باشکوهتر از سال پیش برپا شود.

بگذریم، که تلخ است و گوشرد آن دردناک.

در مزار شهیدان داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران در حالیکه سخن آندوهنگین بود و صدای پر خروش، طینی آرام

این آئین کم دسه سیر پرسس بگیر است. چون بر دیک به نفاق کسی که بیجا هستند از جگوبگی صمیم حرب مند ایران آگاهی دارند توضیح نینسری می‌دهم. بی گمان یک علت در بداسس آئین گسرده در این روز تاریخی بر حورد با ماه مبارک رمضان است که در ایس آفتاب سوران گردهم آئی میجو بایسته سحر می‌بود.

گرچه آنها که اکنون در حور خود حصه‌اند. در چنین آفتاب سوزانی سررگترین دگرگوسی تاریخ را پدید آوردند. ولی پیشتر به جهت حوصاصی است که بر میهن ما میروند حاکم شود. جو انحصارگری. نه از سوی یک دسته، ار همه سو و باهر دیدگاه. بیاد دارید سال گذشته حرب ملت ایران بی هیچ آوازه‌گری تصمیم به بازسازی مزار شهیدان سی تیر گرفت و بی آنکه بخواهد امتیاری برای خود نتسازد. ایس وظیفه را انجام داد و برگزاری نخستین یادواره‌ی ایس به حور حفتگان در دوران انقلاب را به کمیته‌ی ویژه‌ای که همه می‌توانستند بی هیچ نشانی از اندیشه و سازمان حور در آن شرکت جویند و انگدار کرد و بار بیاد دارید که چه باشکوه آن

دارند آنرا حاص خود سازند. مردم ایران دیگر از تحمل انحصار طنسی به ستوه آمده‌اند و در برابر آن واکنش نشان می‌دهد و تفاوت بزرگداشت سال گذشته و امسال، نشانه‌ای از همین واکنش است.

پیام آنها که درسی تیر ۱۳۳۱ با نثار حور خود از بهشت ملی ایران پاسداری کردند، همستگی و پیوند میان همه مردم بود و مال گذشته هم به علت همستگی. چنان آئین پرشکوهی برپا گردید در روزنامه آرگان حرب خواندم، در سال گذشته دلپذیرترین شعار که از سوی مردم، حور بخود داده شد و تا پایان آئین جر آن دیگر شعاری بگوش برسید، «مصدق، مصدق، به همحمیمی راه تورنده گشته» بود.

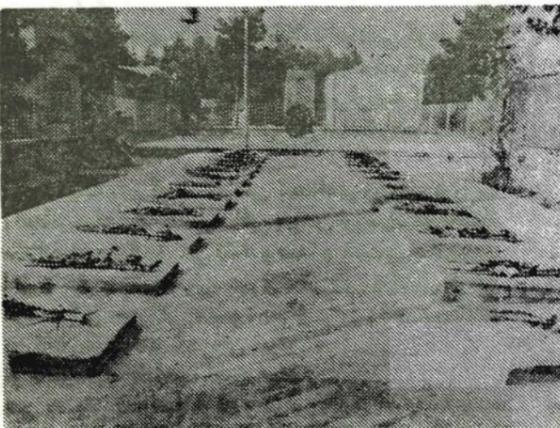
ایس شعار از بطن جامعه بر حاست بی آنکه بوئی از انحصارگری بدهد ریرا مردم احساس کردند جریان به همه آنها تعلق دارد و تحمیلی در کار نیست. ولی امسال از یکسو دسته‌ای کوشید، مارک خاص خود را روی قیام ملی سی ام تیر بسزند و دیگران را ریر لسوای خویش بگیرد و از سوی دیگر چند

اداره‌ها پرداخته جمع اینگونه کردارها را «خلاف مقررات جاری و مخل امنیت قضائی و تضعیف ارگانهای مملکتی» دانسته و دستور تخلیه مکانهای تصرف شده را داده است. پیداست هنگامی میتوان به حرمت قانون اطمینان یافت که مرگها و دفترهای اشغالی هر چه زودتر به صاحبان آن تحویل گردد و ترتیبی اتخاذ شود تا اینگونه تجاوزها برای همیشه پایان یابد.

هدفهای انقلاب کوشا می‌باشد، مثل همیشه دردل حاضران امید آفرید.

همزمان با فاتحه‌خوانی وابستگان حزب بر مزار شهیدان سی ام تیر و سردار شهید نهضت ملی «دکتر سیدحسین فاطمی» بازماندگان چند شهید در این بابویه حضور داشتند و از جمله مادر شهید امیرببچار که با خون خود به دیوار نام مصدق را در لجنه‌های بدردود با زندگی رقم زد بر مزار فرزند خود نشسته بود و باران واژه‌های مهرآمیز که نثار وی میشد آندوه پایان ناپذیرش را شستشو می‌داد.

حدود ساعت شش بعد از ظهر،



مزار شهیدان سی تیر پس از نثار گل

همرزمان راهی قرارگاه حزب شدند.

ساعت هشت بعد از ظهر روز سی ام تیرماه، دکتر ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور نیز برای فاتحه‌خوانی بر مزار شهیدان حضور یافت.

بدینسان روزی بسررگ و سرنوشت‌ساز با برپائی آئین‌هایی کوچک و ساده پایان یافت.

همگانی مانند سی ام تیر، پانزدهم خرداد و بیست و دوم بهمن را از آن خود سازد. بی‌شک در سال آینده خواهیم توانست آئین شایسته‌ای به نام همه ملت ایران نه به نام یک دسته یا حزب خاص برپا داریم. به امید آن روز شکوهمند.

سخنان فروهر، این پرچمدار راستین نهضت ملی که صمیمانه و با همه‌ی توان در راه پیشبرد

مرگ شاه خلع شده

بر پرویز شاه خلع شده در انزوا و آندوه از جهان درگذشت. بر درگذشت او جز تنی چند از بستگان و گماشتگانش کسی دریغ نخواهد خورد. مرگ شاه خلع شده هیچ خبر تازه‌ای نیست. او مدت‌ها پیش مرده بود.

او حتی پیش از خلع شدن مرده بود. مردن به معنای قالب تهی کردن نمی‌باشد. مردن به معنای دورماندن از احترام و نیکنامی است. حیات آدمی دردم بر آوردن و دم فرو بردن نیست. حیات آدمی در شان و شوکتی است که در چشم مردمان دارد. بر شاه خلع شده هیچ شان و شوکت نمانده بود.

مردن یا زنده بودن شاه خلع شده را نباید به چیزی بگیریم باید انقلاب شکوهمند خود را با استواری به پیش ببریم و با آگاهی و توانائی دوران سازندگی شتاب‌آلود را آغاز کنیم. بکوشیم تا بی‌اعتناء به این رویدادهای بی‌اهمیت مهین خود را دوباره بسازیم و تاروپود امپریالیزم را از هم بدریم.

مبادا که از هم پاشیدگی جسمانی شاه خلع شده، ما را از نبرد گرم و گیرا با امپریالیزم جهان‌نخوار آمریکا دور سازد، و مبادا که از یاد ببریم، شاه خلع شده نمادی بود از سلطه این ابرقدرت زشت و تجاوزکار.

مرگ شاه خلع شده نمیتواند و نباید در روند حرکتی انقلابی ملت ما تغییری پدید آورد و مردم بی‌باخته ایران هنگامی خود را پیروز می‌دانند که هرگونه سلطه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان را بر کشور برانداخته باشند.

ضرورت برقراری ایمنی در فضای سیاسی کشور

ایهام گردد».

اکنون با رویدادهای دوهفته گذشته نگرانی مردم گسترش بیشتری یافته و اگر برای برقراری ایمنی در فضای سیاسی کشور اقدام جدی صورت نگیرد به‌تندی نومی‌دی و بی‌تفاوتی که شاید واکنشهای تندی هم پدیدار شود.

دادستان کل کشور ضمن اخطار به کسانی که به اشغال مرکز حزبها و سازمانهای سیاسی و دفتر روزنامه‌ها و حتی بعضی

بسیستوهفتم خردادماه ۱۳۵۹ خودهدشدار داد «بیم آن می‌رود که اگر قاطعانه تصمیم به پایان دادن به این تجاوزهای آشکار گرفته نشود و مردم در نهایت روشی با واقعیت‌های تلخی که در ایران میگذرد آشنا نگردند و چهره ضدانقلاب را ریرهر نقاب و با هر پشتوانه‌ای با همه ناهنجاری نشاناسند، یکبار دیگر، نومی‌دی و بی‌تفاوتی سایه شوم خود را بر میهن ما بگس‌ترد و آینده انقلاب اسلامی ملت ایران دچار

ملت ایران سازگار نیست و تجاوز به حقوق اساسی مردم جز به «ضدانقلاب» نیروبخشیدن، پی‌آمدی ندارد. شکفت آنکه نیروهای انتظامی در برابر این حمله‌ها و ویرانگریهای همراه آن نقش تماشا کسنده را بازی می‌کردند و در جلوگیری از ایجاد نامنی وظیفه‌ای برای خود نمی‌شناختند.

نامه آرمان ملت در رابطه با حمله به گردهم آئینهای سیاسی در شماره ۱۲ سه‌شنبه

در بند کشیدن آزادی، تنها مره‌اش فقر اندیشه و اخلاق است

از خبرهای هفته

نامه‌های رسیده

شکایت به رئیس جمهور

پیرامون غرض ورزی در پاکسازی

آقای خلیل خلیلی پور دبیر دبیرستانهای رشت طی نامه‌ای مفصل برای آقای بنی‌صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران و ارسال مدارک لازم در بی‌گناهی خود، از پاکسازی‌های مغرضانه دست اندرکاران انحصار طلب پرده برداشته است. آقای خلیلی پور می‌نویسد: «با ابراز تشکر از دریافت پاداش اخراج از خدمت درازای مبارزات پیگیرانه‌ام در جریان انقلاب عظیم اسلامی ملت ایران، بگوهای اسناد موجود شهادت شاهدان زنده حاضر در میدان‌های نبرد روزهای رزم که مورد تعقیب و هدف ترور پلیس آریامهری و ساواک بوده‌ام و همچنین سپاس از نتیجه اعتمادی که به همراه حزبی وفادار به مصدق بزرگ و امام خمینی به نظام جمهوری اسلامی نموده و به آن رای مثبت داده و پاسدارش نیز بوده و هستم... ابتدائی‌ترین حق مسلم خود میدانم ... که بنام اعتراض جهت پیگیری آنجناب... (مدارک پیوست) را تسلیم نمایم «آقای خلیلی پور اضافه کرده است: «رای صادره علیه خود را که شاید نمونه‌ای باشد از کیفیت مجموعه آرای صادر شده وسیله آن هیئت پورش بی‌پروا بر حریم حقوق قانونی ملت ایران تصور و اعلام غیرقانونی و غیر اصولی بودن آنرا نیز بدلیل سلب حق دفاع اینجانب و حضور در محکمه حق مسلم خود میدانم».

نویسنده نامه بیان میدارد:

«آقای بهمن رهنما مدیر کل انقلابی بعد از انقلاب آموزش و پرورش گیلان... بگوهای همه فرهنگیان گیلان، بخاطر انتقام‌گیری از افشای سند رسوائی همکارش با دستگاه حاکمه فاسد معزول گذشته که در تاریخ مهرماه ۵۷ یعنی در بحران انقلاب وسیله ایشان جهت تحکیم رژیم صورت گرفته بود دست به این اقدام زده است.

آقای خلیل خلیلی پور پس از ذکر موقعیت شخصی زندگی با پیوست کردن مدارک و اسناد بی‌گناهی خود و سندهای همکاری پاکسازان مغرض با سلطنت ساقط شده، نامه را پایان داده است.

آرمان ملت- در گیرودار انقلاب و بیش از آن افرادی که در سنگرهای گوناگون علیه رژیم سفاک استبدادی جنگیدند و بارها زندگی خویش را در معرض خطر و نابودی قرار میدادند پس از پیروزی انقلاب بحکم عزت نفس و خودنمایی نکردن، نه تنها مورد تشویق و تحسین قرار نگرفتند، بلکه عده‌ای سودجو و مغرض و انحصارطلب، تحت عنوان «پاکسازی» بعضی مومنان به انقلاب را کنار زده و در همان چهارچوب نظام گذشته، بدون هیچگونه تغییر بنیادی در سازمانهای کشوری، می‌خواهند به اسب تیزپای قدرت سوار باشند.

همرزم خلیل خلیلی پور که از وابستگان ارزشمند حزب ملت ایران می‌باشد و صمیمانه خود را در خدمت انقلاب اسلامی ملت ایران قرار داده است، یکی از قربانیان غرض‌ورزیهای این گروه‌های انحصارطلب می‌باشد.

امید است که آقای رئیس جمهور دستور رسیدگی کامل پرونده را با حفظ حق دفاع برای ایشان صادر نمایند و در غیراینصورت مدارک بداخلاقی‌های «پاکسازان» که در حقیقت از خادمان «ضدانقلاب» هستند، نشر داده خواهد شد.

مذهب و ملیت

آقای حسین پور در رابطه با مسئله مذهب و ملیت قطعهای برای نامه آرمان ملت فرستاده‌اند و طی آن توصیه کرده‌اند، «از دامن زدن به آتش این نفاق جدا خودداری شود که حاصلی جز پشیمانی نخواهد داشت.

نامه سرپرست سازمان بسیج ملی

نشریه آرمان ملت:

بازگشت به مطلب مندرج در شماره ۱۱ مورخ ۵۹/۳/۲۰ آن نشریه در مورد مسئولیت ارتش بیست میلیونی با کیست، باطلاع میرساند:

براساس لایحه قانون تشکیل سازمان بسیج ملی که به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است مسئول آموزش و سازماندهی ارتش ۲۰ میلیونی بعهده سازمان بسیج ملی محول گردیده است، خواهشمند است دستور فرمائید طبق قانون مطبوعات نسبت به درج مطالب فوق‌الذکر اقدام لازم بعمل آید.

نامه‌ای از دو خانواده

خانواده‌های نیک‌آئین و صدیقی‌نژاد طی نامه‌ای که به دادستانی جمهوری اسلامی نوشته و رونوشت آنرا برای آرمان ملت فرستاده‌اند، ضمن اعتراض به بازداشت بدون دلیل فرزندانشان سیداحمد نیک‌آئین و مصطفی صدیقی‌نژاد، تقاضای آزادی هرچه زودتر این دونفر و رفع مزاحمت از محل کار و اعاشه آنها را نموده‌اند.

اطلاعیه دادستان کل کشور

اطلاعیه زیر روز شنبه چهارم مرداد ماه از سوی دادستان کل کشور انتشار یافت که نظر به اهمیت موضوع عین آن درج میگردد.

بسمه تعالی

برادران و خواهران مسلمان و مبارز در چند روز گذشته اشخاص متفرقه بدون داشتن دستوری از طرف مقامات مسئول به اماکن و دفاتر گروه‌ها و بعضی از روزنامه‌ها، حتی بعضی از ادارات دولتی ریخته و آنجا را اشغال نموده‌اند و به تصور اینکه عمل آنها یک اقدام انقلابی است، موجبات مزاحمت افراد و دستگاه‌های مربوطه را فراهم کرده‌اند. باتوجه باینکه در نظام اسلامی و حکومت قانون هر عملی که انجام میشود، باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع صورت گیرد. اقدام باین قبیل اعمال علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و مخل امنیت قضائی و تضعیف ارگانهای مملکتی است، مخالف، نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم است که می‌فرماید: «ولا یجرمنک شأن قوم علی ان لا تعدلوا اعدالوا هو اقرب للتعوی» و این قبیل اعمال مطمئناً پنهان خوب و زمینه مساعدی است که ضد انقلاب زیر پوشش آن نیت و افکار و نقشه‌های شوم خود را عملی سازند.

بدیهی است در کشوری که قوه قضائیه و قوه اجرائیه و مجلس شورای اسلامی آن مورد قبول و حمایت امام و امت قرار دارد اینگونه اعمال جز هرج و مرج ثمره دیگری نخواهد داشت. علیهذا لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد که بخیر و وظیفه انقلابی و اسلامی دست بچنین اعمالی می‌زنند بشدت از آن احتراز نمایند و اگر افرادی باین کارها ادامه دهند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.

در خاتمه متذکر میگردد: اماکنی که تاکنون بطریق فوق تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستانی کل کشور و یا دادستانی انقلاب اسلامی و یا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ شود.

السلام علیکم و رحمته‌الله و برکاته سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

دلایل استعفای آیت‌الله محی‌الدین انواری از نمایندگی

حجت‌الاسلام محی‌الدین انواری نماینده مردم رزن همدان در یک مصاحبه تلفنی با یکی از روزنامه‌های عصر تهران دلایل استعفای خود را از نمایندگی مجلس بیان داشت.

وی گفت:

«دلیلی که من میتوانم بگویم اینست که بر خورده‌های درون مجلس به هیچ وجه اسلامی نیست. نماینده مردم نمیتواند در رای دادن آزاد باشد. من جوی را در مجلس می‌بینم که دسته‌ای میخواهند نمایندگان را بدنبال خود بکشند. من احساس

آزادی در مجلس نمی‌کنم. اصلاً فراموش شده که ما مسلمان هستیم و باید در همه جا روش اسلامی داشته باشیم. مثلاً وقتی نماینده‌ای خواست رای مخالف بدهد به او بگویند ما تقاضای رای علنی کرده‌بودیم تا مناقشها را بشناسیم. انگار در این جامعه هر کس با آن گروه خاص مخالف بود میشود منافق. این منطبق بر کدام اصول اسلامی است؟

متأسفانه با تمام اخلاص و ارادتی که نسبت به رهبر بزرگ انقلاب دارم و نماینده امام در ژاندارمری میباشم مجبورم این سنگر را ترک نمایم و در سنگر دیگری برای انقلاب مبارزه نمایم.

من سالها مژه استبداد را چشیدم. من تمام دوران حکومت هویدا به مدت سیزده سال در زندان بسر بردم و دیکتاتوری سیاه پهلوی را دیدم و هرگز حاضر نیستم در یک مجلس استبدادی حضور داشته باشم که به نماینده چشم غره برونند و اهانت کنند.»

اداره کل ارشاد ملی اصفهان اشغال شد

بامداد پنج شنبه دوم مرداد ماه اداره کل ارشاد ملی اصفهان به اشغال گروهی که خود را جوانان پیرو خط امام میدانند در آمد.

گروه اشغال کننده انگیزه خود را سهل انگاریهای انجام شده

بقیه در صفحه ششم

دکتر یداله سبحانی: من به ملی بودن افتخار می‌کنم

دکتر یدالله سبحانی، رئیس سنی مجلس در یک گفتگوی مطبوعاتی ضمن تشریح مشکلات خود در زمان تصدی ریاست مجلس در مورد اسلام و مسئله ملی گفت: «ملیت و اسلامیت جدا از هم نیستند و ملی خلاف اسلام و دین نیست. من افتخار به ملی بودن می‌کنم.»

وی اضافه کرد: «بعد از کودتای بیست‌وهشتم مرداد، ما مبارزات بسیاری علیه امپریالیسم داشتیم. مبارزات همه ملی بود و ما نمیتوانیم پیوند خود را با گذشته ببریم.

در مبارزات سیاسی ما محافل دینی (اسلامی) در صدر همه چیز و عامل وحدت بود.»

اعلام جرم علیه خانم اعظم طالقانی

بدنبال اجرای حکم دادسرای انقلاب اسلامی کرمان که سنگسار کردن چند مرد و زن را در پی داشت، خانم اعظم طالقانی طی یک اطلاعیه که هنگام سفرش به کسپنهاک برای شرکت در کنفرانس جهانی زن منتشر شد، اعلام کرد:

«..... میشنویم که در کرمان تعدادی زن و مرد را به جرم انجام عملی که حاصل باقی بودن ارزشهای نظام گذشته است، سنگسار می‌کنند و صدا و سیمای جمهوری اسلامی و مطبوعات بعنوان خبری مطرح و به آسانی از آن میگذرند و این خوراکی میشود برای رادیوهای بیگانه و دشمن انقلاب و خلق قهرمان ایران.»

در پایان این اطلاعیه آمده است:

«من بعنوان نماینده مردم و در این جوی که ایجاد شده است و اینهمه بیعدالتی‌هایی که نسبت به زن اخیراً در جامعه اسلامی، که میبایست والاترین ارزشها را برای زن قائل شود، به مسئولین امر هشدار میدهم اگر جلوی این حرکات تقویت کننده ضد انقلاب را نگیرند، ما زنان متعهد و معتقد برای ریشه‌کن کردن و درهم کوبیدن ظلم و بیداد، اقدام خواهیم کرد.»

در رابطه با این اعلامیه در پایان هفته گذشته باز پرس دادسرای انقلاب اسلامی کرمان علیه خانم اعظم طالقانی اعلام جرم کرد.

متن این اعلام جرم چنین است:

«جناب آقای قدوسی...»

چون اعظم طالقانی به اتهام اهانت به دادگاه انقلاب اسلامی کرمان و ریاست دادگاه و اعضای آن و توهین به احکام اسلام و ایراد به اجرای حدود از طریق نوشتن مقاله‌ای که در روز یکشنبه ۲۹ تیرماه جاری در کیهان و اطلاعات به چاپ رسیده و نتیجتاً تحریک عوامل ضد انقلاب و تهدید مسئولین امر تحت تعقیب این دادسرا قرار گرفته، به جناب عالی نیابت داده میشود نامبرده را احضار و در صورت عدم حضور با رعایت مقررات شرعی جلب و پس از تحقیقات لازم، نتیجه را به این دادسرا اعلام فرمایند.»

- در اینجا بی‌مناسبت نیست به اصل هشتم و چهارم قانون اساسی توجه شود که میگوید:

«هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.»

اعتراض مدیران کل و گردانندگان نهادهای انقلابی زنجان به برکناری استاندار زنجان

مدیران کل استان زنجان و رئیس بنیاد مستضعفان و فرمانده سپاه پاسداران استان زنجان خواستار بازگشت استاندار برکنار شده این استان شدند.

این عده در نامه‌ای که به امام نوشته‌اند و رونوشت آنرا برای ریاست جمهوری فرستاده‌اند برکناری استاندار زنجان را نتیجه اعمال نفوذ حزب جمهوری اسلامی دانسته و آورده‌اند:

«آیا در چنین شرایطی در مقابل فداکاری این ملت زجر دیده و ستم کشیده، خدایسنده است که استاندار مورد رضایت مردم و متعهد و مؤمن به انقلاب را علیرغم خواسته مردم کنار بگذارند و حزب حاکم فرد مورد نظر، را به این ملت تحمیل نمایند و جو پر از دلهره و اضطراب بوجود آورد؟»

مرکزهای قدرت خود گامه را بر چینید